

قرآن و حقوق صغار

خسرو مومنی^۱ علی آقا صالحی^۲

چکیده

خداوند در آیات متعدد و در طی داستان‌ها و سرگذشت پیامبران، فراز و فرودهایی از مشکلات، سختی‌ها و مراحل مختلف رشد و تکامل شخصیتی صغار و نیازهای آن‌ها را نمایش داده است و در ضمن مباحثی همچون حق حضانت، شیرخوارگی، ارث، رسیدگی به اموال و دارایی‌های موجود آنها را تا سن رشد و بلوغ، به دقت و با تأکید فراوان، بویژه درباره یتیمان و بی سرپرستان مطرح کرده و از جامعه اسلامی و مردم مسلمان می‌خواهد از نظر مادی و عاطفی، کودکان و یتیمان را زیر پر و بال خود بگیرند و حقوق طبیعی آن‌ها را مراعات نمایند تا آن‌ها در کمال آرامش و بدون دغدغه مالی یا کمبود عاطفی و معنوی، مراحل رشد و تکامل شخصیتی و انسانی خود را طی کنند و همچون سایر افراد همسان خود با داشتن جسم و روانی سالم به زندگی ادامه دهند. علاوه بر این، دایره‌ی وظایف و اختیارات و مقدار و معیار تصرف آن‌ها را مشخص کرده و تأکید می‌دارد که این مسئولیت‌ها باید با دقت و صرف کم‌ترین هزینه‌های مالی بر کودکان، انجام گیرد و در این خصوص، حکومت اسلامی و تمامی مردم در دایره‌ی این مسئولیت قرار دارند.

در این مقاله کوشیده ایم حقوق طبیعی و انسانی صغار (کودکان، یتیمان و بی سرپرستان) را از نگاه قرآن مورد واکاوی قرار داده و نشان دهیم که شارع مقدس تا چه اندازه به شخصیت و کرامت انسانی آن‌ها توجه نشان داده است.

کلید واژه: حقوق صغار، تکالیف والدین، حضانت.

^۱ - استادیار رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان (Kh.momeni@semnan.ac.ir)

^۲ - دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان

مقدمه

زیربنای مباحث قرآنی در مورد انسان، از جمله کودکان و افراد صغیر و فاقد سرپرست، براساس کرامت انسانی استوار است؛ خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰) بر این اساس قرآن کریم به نوع انسانی، مدال کرامت و افتخار عطا فرموده و این هدیه‌ی آسمانی را در همه‌ی افراد بشر به طور یکسان تقسیم نموده است.

در این میان افرادی که در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، بیش‌تر مورد توجه شارع قرار دارند و در رأس آن‌ها کودکان و بی‌سرپرستانی مدنظر می‌باشند که به دلیل صغر سن و ناتوانی و ضعف جسمانی و عقلانی از ادامه‌ی زندگی خود به طور مستقل و مطلوب ناتوانند. بنابراین، قرآن کریم مسلمان را تشویق و بلکه مجبور می‌سازد تا در حد توان و استعداد و تخصص خود به دستگیری و تربیت آن‌ها اقدام نمایند و از مزایای انسانی و سعادت بشری برخوردارشان کنند. کودکان به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشند و بدین سان قرآن کریم به حقوقی انسانی آن‌ها توجه کرده و آن‌ها را دارای کرامت انسانی می‌داند و نه از سر‌ترحم، بلکه به خاطر ستم‌های بیشماری که در حق او اعمال شده، حقوق انسانی او را بررسی کرده است، زیرا او انسان آینده است و در مرتبه‌ی سایر انسان‌ها قرار دارد.

جالب توجه است بدانیم که قرآن کریم در بسیاری موارد، حقوق صغار را بدون فرض نقض حقوق مطرح می‌سازد؛ یعنی پیش از اینکه هرگونه نقضی رخ دهد، آن‌ها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های قانون‌پروردگار است و نشان از سبقت و کمال قرآن دارد و بالاتر از همه‌ی قوانین بشر از جمله قانون کنوانسیون حقوق کودکان می‌باشد، زیرا حقوق کودکان در این قوانین، زمانی مطرح می‌شود که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جامعه‌ی بشری اتفاق بیفتد، آن وقت است که به فکر راه‌چاره و رفع مشکل بر می‌آیند و قانون‌گذاری می‌کنند و معمولاً این قوانین ناقص و در بعضی موارد ناکارآمد هستند و به مرور زمان نواقص و

ناکارآمدی های آن رفع می شود، ولی قانون الهی انسان را تکلیف محور و پاسخگو و مسئول می داند و او را تعهدپذیر بار می آورد و قوانین را بر این مبنا و به صورت کامل و بی عیب و نقص عرضه می دارد و در درجه اول انسان را درباره ی خانواده و زن و فرزندانش مسئول قرار می دهد و می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم/ ۶)

ای مؤمنان خودتان و خانواده تان را از آتش برحذر دارید که آفرزینہ ی آن مردم و سنگ است. در نتیجه برای انسان حق حیات، حق مالکیت، حقوق طبیعی و معنوی و اجتماعی و ... قائل است و از سرپرست خانواده می خواهد نیازمندی های مادی و معنوی آن ها را تأمین کند و از فرزندان خود به خوبی محافظت نماید. می فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۳) و بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده لازم است خوراک و پوشاک مادر به طور شایسته بپردازد. و می فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره: ۲۳۳)

یکی از مواردی که مصداق واقعی صغار است کودکان، اعم از کودکان کم سن و سال، کودکان بی سرپرست و کودکان یتیم، می باشد، قرآن کریم در این باره عنایتی خاص مبذول داشته و می فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۳۳)

مادران و فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند، این حکم برای کسی است که بخواهد حق شیرخوارگی را تماماً ادا کند و نیز خوراک و پوشاک مادر به طور متعارف برعهده ی پدر فرزند است هیچ کس بیش از توانش وظیفه ای ندارد. نباید مادر به خاطر فرزندش زیانی ببیند نه پدر، و بر وارث او نیز چنین است. اگر آن دو با رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند کودک را از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست اگر اراده کردید که برای

فرزندان خود دایه بگیریید به شرطی رواست که حق دایه را به طور شایسته ای بدهید و از خدا بترسید و بدانید که خدا به آنچه می کنید آگاه است.

حقوق کودکان و خردسالان

چنانکه از این آیه مستفاد می شود، کودکان از بدو تولد، حقوقی کامل و متناسب با رشد جسمانی و روحی خود دارند و حتی قبل از تولد نیز حقوقی به طور ناقص به آن ها تعلق می گیرد، و بر همان اساس اهلیت و جوب ناقص پیدا می کنند و در این صورت صلاحیت پذیرش برخی از حقوق را دارند و می توان حقوقی را به نفع آنها ثابت کرد نه علیه آنها، مانند حقوق میراث، وصیت و استحقاق وقف، که اثبات آن ها به قبول نیاز ندارد، ولی به دلیل همان اهلیت و جوب ناقص، حقوقی مثل هبه که به قبول نیاز دارد، برای کودک ثابت نمی شود، هرچند چنین حقوقی نفع محض برای او به حساب می آید، اما ولی و وصی می تواند این حقوق را برای او بپذیرد و بدین ترتیب حقوق او به طور کامل ادا شود.

اما همینکه جنین زنده به دنیا بیاید، ذمه ی کامل و در نتیجه اهلیت و جوب کامل برای وی پدید می آید و حقوق به نفع او و علیه او ثابت می گردد.

قرآن کریم برای کودکان حقوقی چند به شرح زیر قائل است:

۱- حق شیرخوارگی (آیه ۲۳۳ سوره ی بقره) والدین موظف اند، کودک خود را به مدت دو سال شیر دهند و نیازهای جسمانی او را به طور کامل برطرف سازند، البته پزشکان نیز کامل شدن دو سال در شیردهی را برای سلامتی کودک بسیار مناسب تر می دانند.

۲- حق پرورش و جلوگیری از هرزگی و بی بند و باری جنسی در حضور کودکان.

قرآن کریم در آیه ی ۵۸ سوره نور از والدین می خواهد کودکان خود را عادت دهند تا برای ورود به اتاق آن ها، در سه وقت از اوقات شبانه روز (صبح زود، ظهر، و آخر شب) که معمولاً زمان خلوت والدین است، اجازه

بگیرند. این دستور هم سطح تربیت کودک را بالا می برد و هم به ارتقای سطح فرهنگ خانواده کمک می کند و از همه مهم تر احتمال برخوردهای نامناسب کودکان با امور جنسی والدین را از بین می برد.

قرآن کریم بینش والدین را برای تأمین امنیت کودکان اصلاح می کند و آن ها را از کج فهمی ها و ستم های جامعه ی جاهلی بر حذر می دارد و می فرماید زمانی که خواستید بچه دار شوید از مخارج و هزینه ی آن نترسید، چرا که رزق روزی بچه ها و خودتان دست خداست می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» (اسراء: ۳۱) فرزندان خویش را از ترس فقر نکشید ما به آن ها و شما روزی می دهیم، کشتن آن ها گناه بزرگی است.

بنابراین اگر کسی خواسته یا ناخواسته صاحب فرزند شد، باید بداند که نوزاد یا کودک او یک انسان کامل است و حقوق یک انسان کامل را دارد، لذا چه منتظر او بوده یا نبوده، باید مقدمش را گرامی بدارد و به او محبت کند و در رشد و شکوفایی و تعلیم و تربیت او در حد مطلوب و مقدور باید بکوشد و کرامتش را حفظ کند و از صدمات روزگار و ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی او را بر حذر دارد.

با این توصیه های قرآنی است که طرز تفکر والدین درباره ی کودکان اصلاح می شود و امنیت و حقوق جنین و کودکان تأمین و احیاء می گردد.

در این میان بعضی کودکان، از جمله کودکان طلاق و یتیم بیش تر در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند و به دلیل فقدان سرپرست یا سرپرست ناسالم، بیش تر حقوقشان ضایع می گردد، اینجاست قرآن کریم به دفاع از حقوق آن ها پرداخته و در آیه ی ششم سوره ی طلاق می فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِمَّنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارِرُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآمَرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسُتْرِضِعْ لَهُ الْآخَرَىٰ» زنان راحتی المقدور در جایی که خودتان ساکن هستید سکونت دهید و آزارشان ندهید تا عرصه را بر آن ها تنگ نکرده باشید و اگر باردار باشند مخارج آن ها را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر فرزندی برایتان شیر دادند، مزدشان را بدهید و با مشورت و مسالمت

به خوبی سر این مسأله توافق کنید اگر به توافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن بچه را به عهده بگیرد.

چنانکه در این آیه مشاهده می شود، بحث بر سر رعایت حقوق جنین و نوزادی است که والدینش با هم اختلاف پیدا کرده اند و قصد طلاق و جدایی دارند. قرآن در این باره، از پدر کودک می خواهد آرامش مادر باردار را حفظ کند و هزینه ها و مخارج زندگی او را تأمین نماید، و پس از وضع حمل، نیز، از همین پدر که قصد طلاق همسرش را دارد، می خواهد رضایت مادر کودک را برای شیردهی رضایتمندانه جلب کند و اگر مادر راضی نشد، باید لحظه ای از حال و روز کودک غافل نشود و فوراً به فکر دایه ای شیرده برای کودکش بیفتد و کسی را برایش اجیر کند، بنابراین اگر فردی خواست بچه دار شود و یا ناخواسته بچه ای را به دنیا آورد، باید به تمامی حقوق طبیعی و انسانی او توجه کند و همه را تأمین نماید.

سفارش این آیه به مراعات زن باردار در هنگام طلاق، بیش از آنکه ناظر حقوق زنان باشد، به حقوق کودکان توجه نشان می دهد، زیرا وضعیت روانی مادر تأثیر مستقیم بر وضعیت روانی جنین و کودک دارد و تا زمانی که آرامش و امنیت و رفاه مادر تأمین نشود، کودک نیز از آرامش و اطمینان روحی برخوردار نمی شود.

استاد انورالباز در تفسیر خود می گوید: خداوند موضوع شیر دادن به کودک را توضیح می دهد و آن را بدون دستمزد بر مادر واجب نمی کند تا وقتی که زن، کودک مشترک خود و شوهرش را شیر می دهد، حق دارد در برابر شیردهی، مزد دریافت کند و با آن زندگی خود را بچرخاند. نهایت کاری که مادر در این شریعت می تواند انجام دهد همین است و بس. در همان حال به پدر - که ولی مجبر کودک است - فرمان می دهد با رایزنی و مشورت، سرنوشت خوب و نیکی را برای کودکشان رقم زنند و مصلحت او را در نظر گیرند، زیرا کودک امانت پروردگار است در دست والدین، و باید از او حفاظت کنند و ناسازگاری و عدم توافق آنان در زندگی زناشویی نباید به کودک بی گناه آسیبی برساند و او را بیچاره و سیاه روز گرداند. (تفسیر تربیتی قرآن - انور الباز - ترجمه صالحی، صفحه ۸۳۴، جلد ۳)

چنانکه می بینیم خداوند از والدین می خواهد با کودکشان، برخورد مصلحت اندیشانه و دلسوزانه داشته باشند و

حقوقشان را کاملاً مراعات کنند و حتی اگر از همدیگر جدا شده اند، این جدایی نباید آسیبی به کودک برساند و اگر مادر حاضر نشد در برابر اجر و مزد به کودکش شیر بدهد و یا در این باره به توافق نرسیدند، باید حقوق طبیعی و انسانی کودک کاملاً محفوظ بماند و در چنین موقعیتی (فسترضع له اخری) باید دایه ای دیگر کودک را شیر دهد و مادر حق اعتراض ندارد و حق کودک نیز در این باره به سبب سختگیری های آنان ضایع نگردد.

آن گاه درباره ی هزینه ی شیردهی و مقدار آن به تفصیل سخن می گوید، که سرانجام آن آسان گیری، همکاری و تعاون و اجرای دادگری است، نه شوهر اقدام به جور و جفا کند و نه مادر دست به کار ناجوانمردانه و لجبازی زند. و آن کس که توانایی مالی بیش تر دارد، باید به اندازه ی توانایش، نفقه ی کودک و دایه ی شیرده را پردازد و مخارج مسکن و هزینه ی زندگی او را تأمین کند.

شهید سید قطب می گوید: مادر کودکی که از شوهرش طلاق گرفته، در قبال کودک شیرخواره اش تکالیفی دارد که باید ادا کند. این تکالیف را خدا بر وی واجب نموده و اجازه نمی دهد که مادر با آن همه صدمات روحی و عاطفی در جریان جدایی و طلاق دچار آن شده، کودکش را رها کند و او را با بحران و خسارت جبران ناپذیر روبرو سازد. (تفسیر فی طلال القرآن، سید قطب، جلد اول، صفحه ۲۵۳-۳۵۴)

خداوند کودک را تحت سرپرستی خودش می گیرد و بر مادر واجب می کند که امر تربیت و پرورش را برعهده گیرد، زیرا پروردگار، مردم را بهتر از خودشان دوست دارد و از آنان بهتر و از پدر و مادرشان مهربان تر در حق کودک است. خدا بر مادر نوزاد حکم می کند تا دو سال تمام جگر گوشه اش را شیر دهد، زیرا می داند که این مدت از نظر همه ی جوانب تندرستی و روحی روانی برای کودک اهمیت دارد؛ می فرماید: «لمن أراد أن یتم الرضاعة» برای کسی که خواسته باشد دوران شیرخوارگی را تمام کند. مادر نیز در برابر وظایفی که خدا برعهده اش گذاشته، بر پدر کودک حق و حقوقی دارد. باید پدر کودک خوراک و پوشاک او را به گونه ای پسندیده و نیکو فراهم کند، زیرا هر دو شریک رنج هم اند و در برابر این نوزاد شیرخواره مسئول می باشند. مادر با شیر دادن و نگهداری از کودک و پدر با فراهم کردن خوراک و پوشاک او، ادای مسئولیت می کنند.

از مفاد آیه برمی آید که خداوند به والدین هشدار می دهد که مبادا از احساسات همدیگر نسبت به کودک مشترکشان سوءاستفاده کنند و همدیگر را در تنگنا قرار دهند و به یکدیگر ستم کنند.

این حقوق و واجبات که برعهده ی پدر است، پس از فوت او به وارث بزرگش منتقل می شود، وارث بزرگ تر وظیفه دارد هزینه ی خوراک و پوشاک مادر شیرده را به خوبی و نیکی تأمین کند تا آن ضمانت خانوادگی تحقق یابد و مصالح کودک ضایع نگردد.

اگر پدر و مادر یا وارث با رضایت و مشورت خود بخواهند پیش از موعد دو ساله و به خاطر مصلحت‌هایی چون تندرستی و بهداشت یا هر علت دیگری کودک را از شیر بازدارند، ایرادی ندارد، زیرا هر دو ملزم به رعایت مصالح کودک هستند و باید به خوبی از عهده ی وظیفه ی خود برآیند. همچنین اگر پدر خواست دایه ای برای کودکش استخدام کند به شرطی که مصلحت کودک در آن باشد، می تواند و باید دستمزد او را کامل پردازد و به خوبی و نیکی با او رفتار کند تا در هر صورت سلامت جسمی و روحی روانی کودک کاملاً تأمین گردد.

کودک حق دارد با خانواده ای خوشبخت زندگی کند.

قرآن کریم برای حمایت از خانواده و حقوق کودک، قوانینی همچون ازدواج، طلاق، عده، براءت رحم، طلاق رجعی، بائن و ... را وضع نمود تا از بزهکاری اخلاقی و زنا جلوگیری کند و همه ی این موارد و موارد دیگر در راستای حمایت از کودکان و فرزندان خانواده می باشد و این تنبیهات به این خاطر است تا پدر خانواده مطمئن باشد، کودک به دنیا آمده، به وی تعلق دارد و با رضایت و خاطر جمعی در تربیت و پرورش او بکوشد. بنابراین قرآن کریم، پیش از تولد، به استقبال کودک می رود و او را با خانواده و پدر و مادری پاکیزه و مطمئن پیوند می دهد.

مرحله ی بعدی، مرحله شیرخوارگی و در اصطلاح رضاع طفل است که می فرماید:

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»
(لقمان: ۱۴). منظور از وهن، رنج و مشقت به هنگام حاملگی است.

پس مادری که حضانت را بر عهده دارد باید عاقل، آزاد، مسلمان، عقیف و امانت دار و خالی از نکاح باشد و جزئیات آن را فقها در کتابهای خود بیان کرده اند.

از کودکی تا نوجوانی

این مرحله زمانی است که کودک از پدر و مادر جدا شده و کم کم خود را برای ورود به اجتماع آماده می سازد. قرآن کریم برای رعایت حقوق آنان مواردی را پیشنهاد کرده و مراعات آن ها را ضروری می شمرد که ذکر آن ها موجب اطاله ی کلام می شود.

تربیت دینی کودک

در این باره قرآن به اسماعیل فرمان می دهد تا خانواده و زن و بچه اش را به نماز خواندن و زکات فرا خواند (مریم: ۵۵) و از پیامبر(ص) می خواهد زن و فرزندانش را به نماز و صبر و بردباری بر آن فرمان دهد. (احزاب: ۳۳ و ۳۴) ابراهیم می فرمود: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم: ۴۰) پس هر مؤمنی باید از روی اخلاص دعا کند و از خدا بخواهد فرزندانش را نمازخوان و عبادتگر به بار آورد و خودش در این راستا بکوشد، زیرا خداوند خطاب به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶).

پس توصیه ی قرآنی این است که والدین باید کودکان خود را بر فراگیری عبادات و عمل صالح و دوری از گناهان و بزهکاری ها تشویق و ترغیب کنند و مسایل دینی و تکالیف شرعی و قوانین زندگی را به آنان بیاموزند و این از حقوق طبیعی و اولیه ی آنان به حساب می آید.

امام محمد غزالی گوید: کودکان باید از ابتدای تولد با شیر پاک و حلال از زن نیک و پارسا تغذیه شوند، سپس

در تمام مسایل دینی و دنیوی و امور اخلاقی و اجتماعی فرزندان پاک و مؤدب بار آیند؛ زیرا وقتی که رشد و نمو آنان نیکو و اسلامی باشد، مسلماً در سن بلوغ تمام موارد فوق در ایشان اثر می گذارد و از حکمت و فلسفه آن ها برخوردار می گردند. (اجاء العلوم، امام محمد غزالی، جلد سوم، صفحه ۷۸).

بدیهی است که رعایت حقوق صغار و مصون داشتن آنان از تمایل به معاصی و اعمال زشت دنیوی، با طاعتها و تأدیب و تهذیب نفس و آموزش و محاسن اخلاق و دور ماندن از دوستان ناباب و رعایت بهداشت جسمی و روانی و سایر مراحل تربیتی و پرورشی او حاصل می شود. در عرصه ی بین الملل نیز چون خداوند پدر را سرپرست خانواده معرفی می کند، روابط ابویین و اولاد را تابع قانون دولت پدر می داند و این موضوع در قانون مدنی نیز مقرر شده است، مگر این که نسبت طفل به مادر مسلم باشد، در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود. منظور از روابط بین والدین و اولاد، نگهداری و تربیت، ولایت، حق انفاق، توارث و امثال آن است. یعنی چنانچه پدر و مادر کودک یا صغیر هر دو معلوم و دارای تابعیت مختلف باشند، روابط بین والدین و اولاد، تابع قوانین دولت متبوع پدر است و اگر پدر کودک معلوم نباشد و انتساب او به مادر مسلم باشد، قوانین دولت متبوع مادر نسبت به طفل صغیر رعایت می شود.

کودک یتیم

یتیم کسی است که پدرش را از دست داده باشد (دائرة المعارف قرن العشرين صفحه ۹۱۲ جلد ۱۰). و در سیاق قرآنی یتیم کسی است که یکی از والدین یا هر دو را از دست داده باشد. (انعام: ۱۵۲، الاسراء: ۳۴) هرگاه به سن رشد و مردانگی رسید، صفت یتیم بودن از وی زایل می شود «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» (نساء: ۶).

کودک به طور عموم بیش از هر کس دیگر به مراقبت و نگهداری نیاز دارد و اگر این کودک پدر یا سرپرست خود را از دست دهد، بیش تر از سایر کودکان به یاری و کمک نیازمند می باشد و در این رابطه قرآن کریم

اهتمام فراوانی به حقوق مادی و معنوی یتیمان به خرج داده و در آیات متعددی مؤمنان را متوجه مراعات حقوق آن ها نموده است. قرآن کریم از دو جهت به حقوق یتیمان توجه کرده است، یکی مراعات حقوق مادی و دیگری مراعات حقوق اجتماعی و روحی آنان.

حقوق مادی

یتیم، اگرچه فقیر یا ثروتمند باشد، از نظر قرآن، حقوقی مادی بر گردن جامعه دارد، که باید از طریق پرداخت زکات و صدقات این حقوق تأمین شود. (بقره: ۲۱۵، ۱۷۷) و بر دولت اسلامی واجب نموده که بخشی از مالیات ها و غنایم جنگی و انواع درآمدهای ملی را به کودکان یتیم اختصاص دهد. (انفال: ۴۱) و تأکید دارد که این مزایای مادی ارتباطی به ثروتمند یا فقیر بودن کودک یتیم ندارد، زیرا هدف از پرداخت آن، این است که این کودکان احساس کمبود پدر و مادر نکنند و بدانند که همه ی امت و حاکمان اسلامی به منزله ی پدران و مادران آنها هستند و هیچوقت آن ها را فراموش نمی کنند.

و از طرف دیگر به مردم و سرپرستان یتیمان هشدار می دهد که جز به حق و نیکی نباید به مال یتیم نزدیک شوند «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (انعام: ۱۵۲) و باید اموالشان را بدون کم و کسر به آنان بازگردانند، چرا که خوردن مال یتیم به ناحق ظلم و ستمگری است. (نساء: ۲)

یتیم ثروتمند، نیازمند وصی یا سرپرستی است که در جهت حفظ و نگهداشت و توسعه ی مال او بکوشد و خداوند از سرپرست او می خواهد که اگر ثروتمند است، این کار را به خاطر رضای خدا انجام دهد و اگر فقیر می باشد به کم ترین اجرت بسنده کند، و آن هشدار قرآن در رابطه به نزدیک نشدن به مال یتیم جزء به احسن، اینجا تحقق پیدا می کند.

حقوق اجتماعی و روحی یتیمان

کودک یتیم به دلیل از دست دادن یکی از والدین خود، دارای روحی حساس و عاطفه‌ی خروشان می‌باشد، یا اندک برخورداردی، قهر می‌کند و روح و روانش آزرده می‌شود و به شدت نیازمند کسی است که به وی محبت و دلسوزی کند و او را از غم و اندوه به در آورد و اگر این نیاز تأمین نشود چه بسا کودک به بیماری‌های روحی و روانی و ناهنجاری‌های رفتاری مبتلا گردد و از اجتماع قهر کند و به فردی منزوی و کینه‌توز تبدیل شود که از جامعه‌اش انتقام بگیرد، به همین خاطر قرآن کریم از مردم می‌خواهد از هر نوع رفتار تند و خشونت‌آمیز با کودکان یتیم دوری کند و (الماعون: ۲) و آنان را گرمی دارند و بی‌احترامی به آن‌ها موجب آتش دوزخ می‌شود (الفجر: ۱۷) و برای مراعات حال آن‌ها تعدد زوجات را مباح دانسته است، زیرا تعدد زوجات به دو چیز مرتبط است؛ یکی عدالت با یتیمان و دوم عدالت بین همسران. می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكََ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (النساء: ۳).

معنی آیه این است که مبحث تعدد زوجات باید به گونه‌ای انجام گیرد که در خدمت کودک یتیم باشد و برایش دادگری و عدالت به همراه آورد، مثلاً مادرش با مردی ازدواج کند که به منزله‌ی پدر او باشد و محبت و مهر پدرانه را در حق وی مبذول دارد و یا پدر با زنی ازدواج کند که از ابراز مهر و محبت مادرانه در حق کودک یتیم دریغ نرزد و بدین ترتیب کمبود محبت او جبران شود و روحیه و احساس او به حالت تعادل بازگردد.

خلاصه، قرآن کریم امر مطلوب را اصلاح احوال یتیمان می‌داند و از جامعه می‌خواهد، با آنان براساس دوستی و اخوت و محبت و مساوات و دادگری برخورد کنند و بدانند که خداوند از ستم به یتیم و تزییع حقوق او به شدت برحذر می‌دارد (بقره: ۲۲۰). و کودک یتیم را به عنوان عضوی نافع و سودمند برای جامعه معرفی می‌کند.

قرآن کریم تنها در یک آیه به کودکی پیامبر (ص) اشاره می‌کند و آن یک آیه نیز به بحث یتیم بودن وی می‌

پردازد و می فرماید: «الم یجدک یتیمًا فأوی» (الضحی: ۶) پیامبر (ص) در همان زمان کودکی ابتدا پدر و بعد مادرش را از دست داد و با یتیمی بزرگ شد و در سرگذشت پیامبرانی همچون موسی و عیسی نیز بحث یتیم بودن آن ها را به میان می آورد و ناملایمات و سختی های زندگی آن را بیان می فرماید.

نتیجه گیری

با توجه به آیات و رهنمودهایی قرآنی در باب حقوق صغار، بویژه کودکان و نوزادان، و یتیمان به طور فشرده می توان دو مرحله را جهت حفظ و کرامت انسانی و پرورش روحی و جسمی آن ها در نظر گرفت، نخست مرحله ی شیرخوارگی، دوم مرحله ی تعلیم و تربیت و پرورش و حضانت. در مرحله ی شیرخوارگی به طور کلی کودک تحت نظارت و سرپرستی والدینش به سر می برد و در مرحله ی تعلیم و آموزش تحت نظر و رعایت معلمان و کارشناسان امور پرورشی و آموزشی قرار خواهد گرفت. این دو مرحله از حقوق اولیه و طبیعی و انسانی کودک به شمار می رود و والدین و اجتماع هر دو مکلف اند وسایل پیشرفت و رشد و شکوفایی کودکان صغیر را در هر دو مرحله فراهم کنند و از هر جهت کمبودهای زندگی آن ها را برطرف نمایند. بنابراین:

- ۱- حضانت و سرپرستی حق طبیعی کودکان است و باید کسی باشد که از آن ها نگهداری و مراقبت کند و هزینه های زندگی و تربیت و تعلیم آن ها را برعهده گیرد و تأمین نماید.
- ۲- این حضانت در درجه اول بر والدین کودک و اگر کوتاهی کردند، برعهده ی خویشاوند نزدیک تر کودک است و اگر میسر نشد این حق برعهده ی دولت اسلامی یا جماعت مسلمانان است و باید آن ها به این امر مهم اقدام نمایند.
- ۳- اگر درباره ی نگهداری کودک بین والدین اختلاف نظر افتاد، مادر بر پدر مقدم است، زیرا او امر کودک را بهتر از مردان درک می کند و می فهمد.

۴- دستمزد حمایت و نگهداری کودک برعهده ی پدر اوست، و زن تا زمانی که طلاق نگرفته، حق دستمزد ندارد و زمانی که طلاق گرفت می تواند از پدر کودک حق شیردهی و نگهداری از او را مطالبه نماید.

۵- هر گاه کودکی به سن تمیز رسید و توانست مستقلاً مسایل شخصی خود را انجام دهد و احساس کرد نیازی به خدمات دهی زنان و دایگان ندارد، مدت حضانت به پایان می رسد و برای این مرحله، مدت معینی در نظر گرفته نشده است و به همین خاطر فقهای مذاهب گوناگون، در این باره اختلافات فراوانی پیدا کرده اند. بنابراین می بینیم که قرآن کریم با ارائه قوانین کلی و جزئی و قابل تطبیق در هر زمان و مکان، حقوق طبیعی صغار را چه قبل از تولد یا بعد از تولد و تا رسیدن به سن رشد و تمیز به گونه ای کامل و کافی به رسمیت شناخته و از آن دفاع کرده است و در این میان توجه ویژه و منحصر به فردی به تربیت و پرورشان یتیمان کرده و جزئیات این قوانین را می توان در طول آیات متعدد و مراحل کودکی انبیای الهی و سرگذشت زندگی آن ها در قرآن به دست آورد.

منابع

- ۱- احمد صبحی منصور، رعاية الطفل، ۲۰۱۰ م.
- ۲- غزالی، محمد، تألیف و اختصار احیاءالعلوم، ترجمه و تحقیق: محمد صالحی سعیدی، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۶.
- ۳- شلبی، احمد، التریبۃ الاسلامیة، مکتبۃ النهضۃ المصریة، ۱۹۸۲ م.
- ۴- عتورشور، احمد عیسی، فقه آسان، ترجمه دکتر ابراهیمیف نشر احسان ۱۳۷۴
- ۵- تفسیر تربیتی قرآن، انور الباز، ترجمه علی آقا صالحی، جلد سوم، انتشارات احسان، ۱۳۹۵.
- ۶- زیدان، عبدالکریم، الوجیز فی اصول الفقه، الناشر: نشر احسان، چاپ پنجم، ۱۳۹۳.
- ۷- سیدقطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، ۱۹۸۸ م.

٨- سيد سابق، فقه السنه، مكتبة دارالتراث العربيه، بي تا.

٩- مدني، سيد جلال الدين، حقوق مدني، جلد هفتم، انتشارات پايدار، ١٣٨٥.

١٠- وجدى، محمد فريد، دائرة المعارف القرن العشرين، بيروت، دارالفكر، ١٣٩٩-١٩٧٢م.